ترجمه هاي تركي مثنوي

دكتر كارا اسماعيل

مولانا مانند «عبدالقادر گيلاني»، «احمد يسوي» و «حاجي بيکتاش ولي» يکي از شاعران و شخصيت هاي پرآوازه است و در عين حال از لحاظ ديني مقام والايي دارد.

طريقت مولويه نام خود را از شخص مولانا جلا ل الدين بعد از وفات وي در سال 1273 گرفته است. نمي توان گفت که مولانا رابطه اي با اين طريقت دارد؛ اما بي شک موجب الهام و سرچشمه عظيم شعري براي مريدان اين طريقت بوده است. بعد از وفات مولانا پسرش، سلطان ولد و نوه اش، عارف بزرگ چلبي، با استفاده از شهرت مولانا باني اين طريقت بوده اند و شهر قونيه که آرامگاه اين شاعر بزرگ در آنجا قرار دارد، پايتخت معنوي اين طريقت شده است. طريقت مولويه کتاب مثنوي رابه عنوان کتاب مقدس خود گرامي داشته و تمامي خاطرات اين شاعر و عارف بزرگ را زنده نگه داشته است.

مولانا در فحواي آثار خود عقايدي را ارائه مي کند که تاکنون براي تمامي عصرها تازه و نو بوده است. او احترام ويژه اي براي منزلت انسان ها قائل است و ميان مذاهب، نژادهاي مختلف و حتي فقير و غني تفاوتي قايل نمي شود. با الهام گرفتن از فعل رحمانيت و بخشندگي خداوند، به خطاهاي انسان با خوشبيني مي نگريست و با حقير شمردن بانوان مخالف بود. او افکار ژرف خود را که نشأت گرفته از دين اسلام و حاصل پيروي از راه حضرت محمد(ص) بود، در جابه جاي آثارش و در قالب اسرار بيان کرده است.

مولانا داراي پنج اثر به نام هاي «مثنوي»، «ديوان کبير»، «مکتوبات»، «مجالس سبعه» و «فيه ما فيه» است. تمامي آثار وي، به ويژه مثنوي، از جمله آثار ادبي کهني است که ترک هاي ساکن فلات آناتولي همواره به آنها توجه و اقبال داشته اند. اين اثر بزرگ متشکل از 26000 بيت است و در وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن سروده شده است. مولانا مثنوي را در دوران کهولت در حضور حسام الدين چلبي و خطاب به او مي سروده و وي آن را تحرير مي کرده است . مثنوي که اثري فلسفي، اخلاقي و عرفاني است، در شش جلد ويرايش، تصحيح و چاپ شده است. اين کتاب تقريباً به تمامي زبان هاي دنيا، از جمله به زبان ترکي، ترجمه و معرفي شده است.

«گلشهري» يکي از شاعران هم عصر مولوي است که «فلک نامه»، «منطق الطير» و داستان هايي از مثنوي، مانند «پروانه و شمع»، و «مرغ و غاز» را به زبان ترکي ترجمه کرده است. در فلات آناتولي مي توان از او به عنوان اولين مترجم ترک زبان مثنوي نام برد.

شاعر و عالم قرن 15، «آيدين دده» (عمر روشني، وفات به سال 1486) مثنويات خود را با الهام از مثنوي مولانا نوشته است. کتاب «چوپان نامه» وي ترجمه و شرحي از داستان صد بيتي شبان و حضرت موسي در مثنوي است و به دليل حجم بزرگ اثر (که از 514 بيت تشکيل يافته) به صورت کتابي مستقل در آمده است. مثنوي «ني نامه» روشني نيز برگرفته از مثنوي مولانا است و به همان ترتيب به نظم درآمده است. روشني ابتداي اين اثرش را با هجده بيت منظوم و شرح آن شروع کرده است.

ابراهيم تنوري (در قرن پانزدهم) مثنوي «گلزار معنوي» را که متشکل از 514 بيت است و در هجده بيت اول آن موضوع ني و چنگ مطرح شده، دوباره ترجمه کرده است.

علاوه بر اين در ميان ترجمه هاي بعضي از قسمت هاي مثنوي در قرن 18، «درويش شيخ محمد نظامي» جلد اول مثنوي را به صورت منظوم ترجمه کرده و آن را «سرَّ معنوي» ناميده است. تنها نسخه اين اثر که در سال 1676م. نوشته شده، در کتابخانه سليمانيه استانبول به شماره 2/693 به نام حسن حسني پاشا ثبت شده است.

اولين ترجمه کامل منظوم ترکي مثنوي را «نحيفي سليمان افندي» (وفات 1749) انجام داده است. اين اثر را چاپخانه بولاق به زبان ترکي شيوا و هموزن و به همان تعداد بيت هاي مثنوي در سال 1851 چاپ کرده است. مرحوم «آميل ابن چلبي» (وفات 1990) اين ترجمه را ساده تر کرده و همراه نسخۀ چاپخانه بولاق در سال 1972 در استانبول منتشر کرده است. وي ضمن اينکه ترجمه مثنوي نحيفي را براي چاپ حاضر مي کرد، ترجمۀ ساده اي از مثنوي را نيز به صورت نثر آماده کرد.

«محمد شاکر افندي» در سال 1251 شش دفتر مثنوي را همراه با جلد هفت که منسوب به مولاناست، به نام «مثنوي شريف ما»، به زبان ترکي ترجمه و به سلطان محمد دوم تقديم کرده است.

«سليمان حايري بيگ»، «يني شهري عوني بيگ»، «ابنوس سيدغالب»، «کارا شمسي دده»، «فضل الله رحماني» و «حسن نظيف دده يني شهري» هم در آخر قرن 19 بخشي از مثنوي را ترجمه کرده اند. از ميان اين شخصيت ها عوني يني شهري جلد اول و يک چهارم از جلد دوم را ترجمه کرده است.

«احمد عوني کوناک» ترجمه منثور مثنوي را آغاز کرد، ولي توانست فقط سه جلد از شش جلد مثنوي را ترجمه کند. بنا بر روايات، يادداشت هاي او مفقود شده است.

ترجمه اي که فيض الله ساجد اولکو به صورت منظوم و با هجاي 5+6 انجام داده است، فقط شامل جلد اول مثنوي مي شود. اين ترجمه تا سري 30 در مجموعۀ قونيه و بعد از آن در سال 1945م. در استانبول به صورت کتاب چاپ شده است.

کوتوکچي حايري بيگ (وفات1891) سعي کرد مثنوي را به صورت منظوم ترجمه کند؛ اما اين ترجمه فقط تقليد ضعيفي از ترجمۀ نحيفي بود. اين اثر در وزن مثنوي و شامل 172 بيت است. همچنين بايد از «مثنوي اوز» (اصل مثنوي) که اثر محمد خلوصي کونري و تحليل بزرگ مثنوي از ديدگاه وحدت وجود است و در سال 1961م. در قونيه به چاپ رسيده، ياد کرد.

ولد چلبي ايربوداک (وفات1952) کل مثنوي را به صورت نثر ترجمه کرده و مي توان گفت که ترجمه اي که امروزه به صورت متداول ديده مي شود، همان ترجمه چلبي است. اين اثر را عبدالباقي گولپينارلي تصحيح و شرح هايي نيز به آن اضافه کرده است. همچنين از طرف وزير آموزش و پرورش ترکيه آن زمان، حسن علي يوجل، مورد تشويق قرار گرفت. در تاريخ 1946م. آموزش و پرورش اين اثر را تحت عنوان «آثار کلاسيک شرق» در شش جلد چاپ کرد.

«شفيق جان» با استنباط از متن هاي مثنوي نيکلسون کتابي با عنوان «ترجمه مثنوي با شرح موضوعات» نوشته و براي تأليف آن از ترجمه هاي طاهر المولوي ولد چلبي ايزبولاک و عبدالباقي گولپنارلي استفاده کرده است. تنها تفاوتي که اين ترجمه با ترجمه هاي ديگر دارد، ترجمه موضوعي ابيات مثنوي است؛ او ابيات مثنوي را نه براساس نظام و سياق اصلي اش، بلکه براساس موضوعات آن ترجمه کرده است. اين اثر در سال 1997م. در استانبول در سه جلد چاپ شده است. شفيق جان داراي اثري با نام «گلچيني از مثنويات مولانا» است؛ اين اثر در سال 2001م. به صورت دو جلدي در استانبول چاپ شد.

«محمد فاروق تونجا» (وفات1982) به همراه «ابراهيم حقي قونيه اي» ترجمه اي از 213 بيت از جلد اول مثنوي را در مجموعه اي ارائه و در آن از ترجمه هاي مختلف مثنوي نيز استفاده کرده اند. اين اثر در سال 1963م. در استانبول منتشر شد.

«فيضي حاليجي» نيز از اشخاصي است که سعي کرده مثنوي را به صورت نظم ترجمه کند، ولي اين ترجمه کامل نيست و شامل 2001 بيت از جلد اول و دوم مثنوي است. اين اثر در پنج و نيم جلد در شهر قونيه به چاپ رسيده است.

«عبدالله اوزديمر حاجي اوغلو» از مؤلفاني است که براي آنکه ترک زبان ها مثنوي را بهتر بفهمند، آن را به زبان ترکي ترجمه کرده است. اين اثر شامل 1212 بيت است و به نام «ترجمه مثنوي هموزن و به صورت منظوم اصلي» در سال 1972م. در شهر استانبول منتشر شد.

به غير از اينها ايوب نجاتي پرهيز، ويسل اوکسوز، رشدي شارداغ، آ. ياغمور تونالي، د. مولوي و محمد اوندر نيز بخش هاي کوچکي از مثنوي را ترجمه کرده اند.

امروزه علاقه و توجه به آثار مولوي، به ويژه مثنوي، روزافزون و از اين رو تأثيري که مولانا از عصرهاي گذشته تا حال بر انسان ها داشته، انکارناپذير است.